



گفتگوی انتقادی در آرای صدرالمتهلین/ نیم نگاهی به حیات علمی و عملی حکیم جلوه

میرزاابوالحسن طباطبائی مشهور به جلوه که به دلیل مهارت و تسلطش بر آراء و نظریات قوم به «سیدالحکماء» ملقب گردیده؛ با نگاه منتقدانه بابی از گفت‌وگوی انتقادی را در آرای صدرالمتهلین گشوده و به برخی از نظریات ایشان اشکالاتی وارد نموده است.

خبرگزاری مهر - میرزاابوالحسن طباطبائی مشهور به جلوه که به دلیل مهارت و تسلطش بر آراء و نظریات قوم به «سیدالحکماء» ملقب گردیده؛ با نگاه منتقدانه بابی از گفت‌وگوی انتقادی را در آرای صدرالمتهلین گشوده و به برخی از نظریات ایشان اشکالاتی وارد نموده است.

حکیم جلوه از دانشوران شیعه در عصر قاجار است که چون ستاره‌ای پرفروغ در آسمان اندیشه طلوع کرد. ایشان با سعی و جهد وافر تلاش نمود تا مشعل حکمت را در این عصر روشن نگاه داشته و بسیاری از طالبان دانش را از فروغ معنوی خود بهره مند نماید. در این نگاره به اجمال سعی در معرفی زندگی علمی و عملی ایشان خواهیم داشت.

ولادت و نسب

میرزاابوالحسن جلوه در ذیقعه 1238 ه.ق در احمدآباد گجرات دیده به جهان گشود. نسب درخشانش پس از 30 پشت به دومین امام شیعیان یعنی امام حسن مجتبی(ع) رسیده و خاندان او به سادات طباطبای مشهورند. از طریق مادر به فاطمه دختر حضرت امام حسین(ع) - همسر حسن مثنی منسوب اند. (محیط طباطبایی، مقدمه دیوان مجمر)

تحصیلات

حکیم جلوه مقدمات دانش‌اندوزی خود را در زواره شروع کرده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی، راهی اصفهان می‌شود و در مدرسه کاسه گران اصفهان اقامت می‌گزیند و چنانچه در زندگینامه خودنوشتش اشاره کرده؛ در سال 1273 ه.ق اصفهان را ترک و عازم تهران می‌گردد.

وی به مدت بیست سال در اصفهان به تحصیل و تدریس اشتغال داشته، سپس بسیاری از سالهای عمرش را به تنهایی و بدون داشتن استاد به مطالعه می‌پردازد. خود در این باره می‌گوید: «...تا آنکه دیدم از استادان حاضر مرا منفعتی حاصل نیست، خود بنفسه مشغول مطالعه و گفتن درس شدم.» (عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی و دیگران، نامه دانشوران ناصری، ج 3، ص 31-35)

اساتید

در باب اساتید مرحوم جلوه نقل‌های مختلفی مطرح شده از جمله اینکه آقای مرتضی مدرسی چهاردهی می‌نویسد: «از استادان خود شنیده‌ام که او کمتر استاد دیده است. اساتید حکیم جلوه محدود به یک یا دو نفر در اصفهان بوده‌است. سلسله اساتید او میرزااحسن پسر ملاعلی‌نوری و ملاعلی شاگرد ملااسماعیل درب کوشکی و او شاگرد ملاصادق اردستانی و او شاگرد ملامحسن فیض کاشانی است.» (مرتضی مدرسی چهاردهی، تاریخ فلاسفه اسلام، ص 33)

همچنین استاد مطهری می‌نویسد: «مرحوم جلوه شاگرد میرزا حسن نوری و میرزا محمد حسن چینی از شاگردان ملاعلی نوری است.» (مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ج 2، ص 222) و یا میرزا غلامحسین خان افضل الملک غیر از آنها حاجی محمدجعفر لنگرودی، و سیدرضی حکمی را هم از اساتید حکیم جلوه بر می‌شمرد. (غلامحسین افضل الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس معدونیان، ص 170) و همچنین مرحوم شیخ حسن جابری انصاری، ملاعبدالجواد تونی خراسانی را هم به‌عنوان یکی از اساتید مرحوم جلوه نام می‌برد. (جابری انصاری، بدایع و نوادر، ص 30)

شاگردان

حکیم جلوه در مدت عمر خود شاگردان بسیاری را تربیت نمود چنانکه میرزاغلامحسین افضل‌الملک می‌نویسد: «در دوره ناصری-ناصرالدین شاه قاجار- حکیمان و فیلسوفان تهران سه استاد کامل داشتند؛ یکی مرحوم آقامحمدرضا قمشه‌ای و یکی مدرس زنوزی و دیگر مرحوم آقامیرزاابوالحسن جلوه بود که همه کس از حوزه تدریس و افاضت ایشان استفاده می‌کرد. آن دو تن در همان دوره ناصری به سفر بقا رحلت کردند. اشاعه علوم عقلیه منحصر به مجلس درس مرحوم میرزاابوالحسن جلوه شد که طلاب، صبح و عصر در آن محضر شریف ازدحامی داشتند و استفاضت می‌کردند و آن جناب، همه وقت به اشاعه علوم و نشر حکمت می‌پرداخت.» (میرزاغلامحسین افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس معدونیان، ص 106 و 107)

هرچند در بعضی آثار نام هشتادوشش تن از شاگردان میرزای جلوه ذکر شده است. (منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفا متأخر، ص 475-483)، اما در اینجا به ذکر نام چند تن از ایشان بسنده می‌کنیم؛ از جمله شاگردان حکیم جلوه می‌توان از سیدحسین بادکوبه‌ای، آقامیرزامحمدعلی شاه آبادی تهرانی و آقا میرزا طاهر تنکابنی نام برد.

نگرش فلسفی

گرایش فکری حکیم جلوه بیشتر به سمت حکمت مشاء و در بسیاری از موارد متأثر از ابن سینا می‌باشد، چنانکه استاد مطهری در این باب می‌نویسد: «یکی از کسانی که در فلسفه، تابع بوعلی است و نظر خوبی به فلسفه ملاصدرا نداشته، مرحوم

میرزا ابوالحسن جلوه است. ایشان به فلسفه شیخ اعتقاد داشته و کوشش کرده که حرف آخوند را رد کند. حکیم جلوه استاد اساتید فلاسفه معاصر به شمار می رود. «مرتضی مطهری، حرکت و زمان، ج 1، ص 300) باید توجه داشت که حکمای متأخر در شرح و بررسی آثار صدرالمتألهین تلاش های فراوانی نموده اند، ولی در این میان کمتر کسی را می توان یافت که با نگاه منتقدانه به آرای ایشان نظر افکنده باشد، در این میان مشهور است که میرزا ابوالحسن طباطبائی مشهور به جلوه که به دلیل مهارت و تسلطش بر آراء و نظریات قوم به «سیدالحکماء» ملقب گردیده؛ با نگاه منتقدانه بابی از گفت و گوی انتقادی را در آرای صدرالمتألهین گشوده و به برخی از نظریات ایشان اشکالاتی وارد نموده است. یکی از انتقادات حکیم جلوه در مورد نشان ندادن مصادر و مأخذ مورد استفاده صدرالمتألهین در آثارش است که می توان گفت دلیل اصلی مشخص نکردن مأخذ، مرسوم نبودن این روش در زمان صدرالمتألهین بوده است.

آثار

از حکیم جلوه آثار بسیاری به جای مانده، هرچند ایشان دست به تصنیفی مستقل و جدید نزده و دلیل آن را در زندگینامه خودنوشتش چنین بیان می دارد: «و چون دانستم تصنیف تازه صعب بلکه غیر ممکن است، چیز مستقلی ننوشتم، ولی حواشی بسیار بر حکمت متعالیه که معروف به اسفار است و غیره نوشته ام و اکنون در دست بعضی از طلاب است و محل انتفاع.» (عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی و دیگران، نامه دانشوران ناصری، جلد 3، ص 31-35) اکثر آثار به جای مانده از ایشان حواشی نوشته شده بر آثار گذشتگان از جمله حواشی بر اسفار اربعه، مبدأ و معاد، مشاعر، شفا، الاشارات والتنبیها، تجرید الاعتقاد و ... از آثار گذشتگان است. همچنین تعلیقات، رسائل، تقریرات و اشعاری از مرحوم جلوه به یادگار مانده است.

اخلاق و منش

در مورد اخلاق و منش حکیم جلوه نقل ها شده از جمله آنچه که اعتمادالسلطنه وزیر ایران در دوره قاجار (کسی که از جلوه خواست تا شرح حال خود را بنگارد) نوشته که: «سیدی است جلیل الشان، عالمی عظیم المکان، فاضلی فصیح البیان و از حکمای بی مانند زمان و صاحب زهد و تقواست. اسوه اصحاب قدس و نهی، کمالات صوری و معنوی بیش از اندازه، تحریر فضایل ظاهری و باطنی اش زیاد از حد تقریر، مرجع طلاب و مدققین و ملجأ حکما محققین است.

به صحبت خلق و رتبت خلق که او راست، هر کسی روزی خدمتش را درک کرد دیگر وی را ترک نکوید و غیر از ره دوستی اش راه نیپوید... او راست همی عالی و طبعی متعالی، چنانچه هیچگاه در خیالش تحصیل مالی نگذشته و امانی و آمالی نداشته به مضمون: «القبیع منیع» و «الحریص انیس للحرمان» پای مناعت در دامن قناعت کشیده و تمنا از آشنا و بیگانه نکرده، با آنکه با بیشتری از ارکان ملت و رجال دولتش الفت است، بقدر ذره از وجودش کلفت بر کسی وارد نیاید و طبعی را از شخصش انزجاری پدید نکرد.

مجلسش مرجع خاص و عام و مدرسش مجمع فضایی ایام است، اکنون که سال هزار و دویست و نود و چهار هجری است، در دارالخلافت تهران به تدریس علوم حکیمه مشغول، هر روزه در حوزه ایشان به جهت تلمذ، گروهی از طلاب و فضلا گرد آیند و استفاده خدمتش را مغتنم شمارند، تلامذ ایشان که بیشتر آل فضل و تقوی هستند. در حضرت ایشان همواره مواظب تحصیل علوم الهی و طبیعی و ریاضی را مراقب تکمیل اند، زیاده از حد طلاب را در خدمتش از علوم بهره و فایده پیدا می گردد و اشعاری که در بدایت حال گفته اند به قدری فصیح و ملیح است که بلغاء را آن رویه و فضلا را آن سحیه کمتر دست دهد.» (عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی و دیگران، نامه دانشوران ناصری، جلد 3، ص 31 و 32)

همچنین میرزا علی خان عبدالرسولی می نویسد: «جلوه با فقرا و مساکین سخت مشفق و مسکین نواز بود و به قدر مقدور از آنان رعایت و اعانات می فرمود، بارها دیدم که با ضعف و ناتوانی که داشت دنبال سائلین و مساکین می رفت تا بدیشان می رسید و هیچ آنان را آواز نمی کرد و به جانب خود نمی خواند.» (غلامرضا گلی زواره، میرزا ابوالحسن جلوه (حکیم فروتن)، ص 180 و 181)

بیماری و وفات

مرحوم جلوه در سال های آخر زندگی از بیماری چشمی به شدت رنج می برد، رفته رفته فرتوتی و رنجوری جلوه را بر بستر بیماری افکند و او را از توان انداخت. شیخ عبدالرسولی از شاگردان و نزدیکان جلوه هنگامی که دید استادش بیمار است و پرستار ندارد، او را با کمال میل به خانه خویش برده و صمیمانه از جلوه پرستاری نمود. پس از آن حاج محمدکاظم ملک التجار (پدر بزرگ حاج حسین آقا ملک؛ صاحب کتابخانه ارزشمند ملک)، جلوه را با اصرار و تقاضای فراوان به خانه خود برد و از وی پذیرایی نمود و تیمارداری اش را عهده دار گردید.

فوت حکیم جلوه مصادف با آذر ماه 1285 ه. ش بود و مراسم عزاداری آن حکیم نه تنها در تهران بلکه در شهرستان ها با شکوه و عزت تمام برگزار گردید. (باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص 11) پیکر آن حکیم به شهرری منتقل و در جوار ابن بابویه (صدوق) به خاک سپرده شد.*

*نویسنده: محسن امین